



نمادپردازی

نمادسازی در اعتراضات اجتماعی یکی از کم هزینه ترین و در عین حال مهم ترین و مؤثرترین راهبردهای عملیاتی در هدایت و مدیریت اذهان عمومی و حتی ایجاد هماهنگی و سازماندهی افراد در شورش های اجتماعی و برقراری الفت ذهنی و قلبی میان نیروهای معترض است که از مجاری متعدد و متفاوتی انجام می شود؛ مانند نمادسازی انسانی، مکانی، زبانی و... که در اینجا برحسب استقرار به چند مورد خاص اشاره می شود؛ البته نمادسازی لزوماً به معنای آن نیست که سازنده و موجد نمادها، این رسانه ها هستند، بلکه بیشتر به این معنا است که رسانه های مزبور علاوه بر مسأله «ابداع و پردازش» نمادها، بیشتر در جهت «اشاعه و تبلیغ» آنها نقش دارند.

برحسب نمادسازی انسانی، چهره های شاخص یا پیشرو به عنوان سمبل انتخاب می شوند تا از طریق بزرگداشت یاد آنان بتوانند پیوند میان اعضای جریان اعتراضی را حفظ و جریان های دیگر را نیز تحریک به پیوستن کنند. این نمادها معمولاً از بین «کشته ها» انتخاب می شوند که از

نمادسازی انسانی

یک سو و به لحاظ «ادراکی»، قوه خیال و حافظه معترضان را نسبت به «گذشته» شورش و جریان اعتراضی تقویت کنند و از سوی دیگر به لحاظ «تحریکی»، با تحت الشعاع قرار دادن عاطفه ایشان، بتوانند آنان را نسبت به «آینده» شورش و جریان اعتراضی و تغییر نظم و وضع موجود، تهییج و تشجیع کنند. در آشوب اخیر، موتور محرک در کشور خود یک نماد انسانی (مهسا امینی) بود. نمادی که با تهمت کشته شدن و به قتل رسیدن توسط نیروی انتظامی به خوراکی برای استارت زدن به آشوب تبدیل شد. البته می توان به طور خاص «زن» را یک نمادسازی انسانی برای کلیت ناآرامی ها حتی در خارج از کشور و در برابر جامعه جهانی در نظر گرفت. از طرفی برجسته سازی حضور دانش آموزان و نوجوانان در میان معترضین و سعی در پیوند زدن آنها به جمعیت آشوبگران در صدد نمادسازی انسانی برای محکوم کردن حکومت و نشانه گذاری آن به ظالم بودن صورت گرفته است.



نمادهای مکانی می توانند بستر تحقق و تکرار شورش و از سوی دیگر، محل تداعی رخدادهای خاطره برانگیز برای افکار عمومی باشند؛ به عنوان نمونه کلیدواژه هایی مانند «گشت ارشاد» و به دنبال آن «نیروهای انتظامی» در آشوب های اخیر موقعیت مکانی پاسگاه ها و مراکز نیروهای انتظامی را در صدر هدف قرار داد. میدان های بزرگ و معروف هر شهر خصوصاً شهر تهران میدان آزادی، دانشگاه ها و مدارس از مکان های نمادین استفاده شده دیگر هستند.

نمادسازی مکانی

گاهی هم «زمان» می تواند به نمادی عمومی در جهت پیوند نیروهای اعتراضی تبدیل شود. «روزها» و حتی «ساعت ها» از جهت پیوندی که با افکار، اعتقادات مذهبی، فرهنگی و مناسک عملی انسان ها دارند، این قابلیت را دارند که به عنوان نمادهایی تاریخی برای برقراری پیوند میان افراد ناراضی از وضع موجود لحاظ شوند. تلاش فراوان رسانه های ضد انقلاب برای برگزاری مراسم «هفتم» و «چهلیم» مهسا امینی و سایر افراد را در همین راستا می توان در نظر گرفت. از سویی می توان این سبک عملیات روانی رسانه های مذکور را نوعی مهندسی معکوس و نوعی شبیه سازی «چهلیم» های منتهی به انقلاب اسلامی - به عنوان الگویی موفق - تلقی کرد. از مهم ترین نمادهای نمادسازی از زمان می توان به وقایع، افراد و حتی مشابهت های شعاری زمان انقلاب اشاره کرد.

نمادسازی زمانی

مفاهیم و واژه ها نیز قابلیت بالایی برای تبدیل شدن به نمادهای پیوندساز و هم آیندساز دارند؛ چراکه یکی از اصلی ترین عناصر در القا و انتقال پیام اعتراض و شورش به ذهن هستند. به عنوان نمونه ای در ماجرای اخیر به ترکیب واژه «زن، زندگی، آزادی» یا به طور قومیتی «ژن، ژیان، آزادی» می توان اشاره کرد که با مضمونی دربرگیرنده «حجاب اجباری»، این گزاره به مخاطب القا می شود که «جمهوری اسلامی، به دلیل سیاست های استبدادی و ضد مردمی خود! حق آزادی را از زنان سلب کرده و زندگی آنها را در جبر حکومتی قرار داده است.» واژگان پرکاربرد دیگر «انقلاب» سازی است که ترکیبات مختلف آن مانند انقلاب ۱۴۰۱ و انقلابیون در نمادسازی با هدف تطبیق احساسات وطن دوستانه طبقات مختلف جامعه ایرانی به عنوان یکی از تصویرسازی های زبانی مورد استفاده قرار می گیرد.

نمادسازی زبانی

تمثلاتی مانند تصاویر و رنگ ها که به واسطه ادراکات حسی بر نفس انسان پدیدار می شوند نیز از اهمیت بالایی در نماد شدن برخوردارند؛ به عنوان نمونه رنگ، در انقلاب های نرم و پیوند میان افراد و جنبش ها بسیار مؤثر بوده است. همچنین صداها و آهنگ ها هم به دلیل تأثیراتی که می توانند بر روان انسان بگذارند، می توانند نماد بشوند. موج اعتراضی ایجاد کنند و طبقات و اصناف خاصی را در جهت شورش، هماهنگ کنند؛ در این خصوص باید به تلاش برخی از رسانه های معارض در تبلیغ گسترده آهنگ «برای آزادی» از شروین حاجی پور متناظر با نمادسازی زبانی «زن، زندگی، آزادی» برای ابراز همبستگی و نمادی برای عصیان و اعتراض تبدیل شده که برای هم آوایی آشوبگران مورد استفاده قرار می گیرد، اشاره کرد.

نمادسازی پدیداری

مضاف بر آن، چرخاندن روسری و حتی سوزاندن آن و بریدن گیسوی زنان در کل کشور و انتشار فیلم های آن به نمادی برای آشوب ها مبدل شده است. در باب نمادهای پدیداری بعضی معتقدند که در برخی مواقع این علائم و نمادها حتی قابلیت پرکردن خلأ رهبری در یک جنبش را دارند. این امر در ناآرامی های اخیر به وضوح مشخص است. فقدان رهبریت در مرکز تصمیم گیری به تمسک جستن به نماد منتهی می شود تا قوای مورد نیاز برای جمعیت افراد را فراهم کند.

روشنی اعلام حضور کنند. خبرنگار این رسانه حتی برای رسمیت بخشیدن به پرچم تجزیه طلبان و حزب دموکرات کردستان به میان تروریست های کومله رفت و در نشست خبری آنها حاضر شد.

سایت ها و شبکه های دیگری چون voa و bbc و من و تو فارسی وان وابسته به دولت های غربی هر کدام به پخش و تولید گزارش های ساختگی توأمان با تصاویر و فیلم های مهندسی شده می پردازند. علاوه بر آن شبکه های اجتماعی چون «مملکت» و «وحد آتلاین» و کانال های غیر رسمی منطقه ای در بخش سیستان و کردستان مأموریت خطیری را برای بازنمایی اتهامات و اخبار جعلی خصوصاً کشته سازی در همان راستا دارند.

■ الگوسازی و آموزش

پس از بحث نمادها باید به بازنمایی نمونه ها و الگوهای موفق و ناموفق اعتراضی تاریخی و بین المللی توسط رسانه های معاند و اهداف این بازنمایی اشاره کرد. «الگوسازی» هر چند خود از یک لحاظ هدف است اما از جهاتی دیگر وسیله ای است که با اهداف «آموزشی» و «انگیزشی» صورت می گیرد؛ «آموزش» الگوهای ناموفق برای تکرار نشدن خطاهای آن و آموزش راهبردها و تاکتیک های الگوهای موفق به جهت پیاده سازی آنها در میدان عملیات و به لحاظ انگیزشی با هدف ایجاد حس احتیاط و بیم نسبت به تکرار الگوی ناموفق و ایجاد انگیزه و اشتیاق روانی برای سرمشق گیری از نمونه موفق.

در این راستا الگوهایی مانند فیلیپین، گرجستان، الجزایر و هنگ کنگ و... به عنوان الگوهای موفق اعتراض مسالمت آمیز بازنمایی می شوند که از نظر آنها احتمال موفقیت آنها نیز تا حد زیادی مشروط به «همراهی و حضور فعال ۳۰ درصد» از کل جمعیت کشور است.

■ شبیه سازی و ادراک سازی

این فرایند هم از طریق بازنمایی رخدادهایی با فاصله زمانی و مکانی از جامعه هدف صورت می گیرد و در آن اخبار تحولات اجتماعی و سیاسی مناطق دیگر برای مخاطب به نحوی بازتاب داده می شود که - احتمالاً - ناخودآگاه و ناخواسته به تطبیق و تشبیه با وضعیت جامعه خود دست بزنند. شبیه سازی از جهاتی نزدیک و شبیه به مورد پیشین یعنی الگوسازی است؛ با این توضیح که فی المثل یک خبر می تواند متضمن هر دو فرایند الگوسازی و شبیه سازی باشد اما باید توجه داشت که این دو فرایند، دو شیوه ادراک سازی متفاوت هستند که برحسب اولی (الگوسازی) ذهن، پذیرنده الگوی القایی رسانه است در حالی که در دومی (شبیه سازی) به تطبیق و تشبیه و مقایسه الگوها می پردازد. در سال های اخیر به طور خاص به شبیه سازی نمونه های داخلی کشور پرداخته شده و شیوه و رفتار و حتی شعارهای انقلاب اسلامی به طور ملموسی به کار گرفته می شوند.

■ هشتگ سازی و روندسازی

هشتگ ها ابزارهای رسانه ای هستند که با استفاده از آنها می توان مطالب گوناگون و مختلف اما مرتبط در حوزه های علمی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و... را دسته بندی و جست و جو کرد و به همین دلیل، دامنه کاربرد آن بسیار وسیع است و در شبکه های اجتماعی از جمله توئیتر، تلگرام، اینستاگرام، فیسبوک، و... مورد استفاده قرار می گیرد. قابلیت ارتباط و اتصال پیام ها، تصاویر و متن های مکتوب در فضای مجازی - به مثابه نشانه های ارتباطی انسانی - به وسیله هشتگ ها، علت اصلی استقبال گسترده کاربران از چنین برچسبی است و روشن است که چنین قابلیت، چه نقشی در ایجاد ارتباط افراد و جنبش های اجتماعی - از جست و جو، یافتن و تبلیغ تا سازماندهی و هماهنگی - می تواند داشته باشد. هشتگ ها همچنین می توانند ابزاری در جهت اشاعه و تبلیغ کلیدواژه ها، شعارها و نمادهای زبانی باشند.

در آشوب اخیر هشتگ های متعددی بنا به مناسبت های



«روزها» و حتی «ساعت ها» از

جهت پیوندی که

با افکار، اعتقادات

مذهبی، فرهنگی

و مناسک عملی

انسان ها دارند،

این قابلیت را

دارند که به عنوان

نمادهایی تاریخی

برای برقراری پیوند

میان افراد ناراضی

از وضع موجود

لحاظ شوند. تلاش

فراوان رسانه های

ضد انقلاب برای

برگزاری مراسم

«هفتم» و «چهلیم»

مهسا امینی و سایر

افراد را در همین

راستا می توان در

نظر گرفت

ویژه نامه
سیاسی
روزنامه
ایران

